

اما عبد الرزاق حقیقت ارجمند

با سلام گرم . از این که لطفاً برایم نامه و ۳ جلد کتاب فرستاده اید ، سادو سپاسگزارم .
سمت سرگرم خواندن آنها شده ام و در سکنتم از بیخوابی و بی خوابی و بی وقت این هزاران صفحه
بسیار هم می نویسد و قلمش می کشد و با بی خط زیبا ، بویژه خط منصفانه ، اما با حسن سواد .

که در حد برایشان ()
نستقام جلد هم "نگین سخن" را فرستید تا برای سوختی و گفت و گو در کلاس خوانده اید

اندازه بود
در اغوش حقیقت " را طبق عادت همگنی ام " لاجرم " ما خوانم و پس شعر در این یکی
باز خوانم و همگنی و نظم را در حالیکه آنها می نویسم . روش من با همه کتابهای شعر و شعر چینی است .
و اما در باره سوره "نگین سخن" به نظرم گفته شما بویژه را نباید از یاد برد :
که "ن برای بی نظمی هم به نظری معتقدم" . درست است که همگنی گویند :

نظم و ترتیب در این ملامت و رنگین محو
بزه و گلهای رنگین را به هم پیوسته ام .
اگرچه در بزه ؟ گزنی و غلهای هرز میست و گلهای پرمهره ، مثل شعر ماه ملک و پروی است
از زاله اهلان . که در دوران مدرسه گفته ام و دیگر نمی توانم امروز جز "سوادت را ، انظم"
به شما رای بیاورم که تاریخ شعر است داشته باشد .

و در مورد سوادت دیگر ، آیا بهتر نبود شعرهای یک سطر در یک جای کتاب آورده شود ؟
نه در چند جا ، تا حال و هوای شعرانه و فرم و محتوا می شود و نمایان می آید ؟

به هر حال برای من بزرگ بود ، بویژه که در از بهر بقای نام ایران - در صحنه عفو جان -
موفقیت های روز افزون اراد می کنم و علی رغم "کاره جان رود که باز آرد تدج" ، قدح گزیده
گزیده "سوادت" هر دو من خالصی " را برایشان می فرستم ، که باید در ایران چاپ و منتشر می شد .
خبرش همگنی از در یافت آن با خرم کشید .

تندرست و پیروز مند باشید
زاله

(بابت حدیث)
فرستادم